بازخوانی یک گفت‌وگو
با حبیب‌ا... صادقی

«هنر انقلاب» سفارش از درون است

۸

حمزه اولیازاده

مسعود شجاعی طباطبایی در گفت‌وگو با «جام جم»:

حبیب‌ا... صادقی چشم و چراغ انقلاب بود

آذر مهاجر
گروه فرهنگ و هنر

مسعود شجاعی طباطبایی از سال‌های دور با حبیب‌ا... صادقی آشنایی و رفاقت داشت. حالا که این هنرمند انقلابی از جهان خاکی کوچیده، حتما متاثر و اندوهگین است و تصور می‌شد توقع یک گفت‌وگوی مطبوعاتی در چنین شرایطی برای او که اندوهگین و متاثر است، چندان خوشایند نباشد اما مسعود شجاعی‌طباطبایی با این گفت‌وگو به مثابه یک وظیفه برخورد کرد و بر خودش مسلم دانست که برای گرامیداشت یاد و خاطره همراه و همکار قدیمی‌اش، فرصتی اختصاص و آنچه درباره صادقی می‌داند شرح دهد. شجاعی‌طباطبایی درگذشت صادقی را صدمه جبران‌ناپذیری به هنر انقلاب توصیف کرد و با تاکید چندباره بر این نکته که صادقی یک هنرمند بی‌بدیل بوده، درباره‌اش توضیحاتی داد که نشان‌دهنده جایگاه حبیب‌ا... صادقی در هنر انقلاب است.

دوستی و آشنایی شما با آقای صادقی به چه دورانی برمی‌گردد؟

کار حرفه‌ای حبیب‌ا... صادقی، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از نمایشگاهی در حسینیه ارشاد آغاز شد. با چند نفر از هنرمندان انقلاب، نمایشگاهی از آثار انقلابی در همراهی با امام(ره) و مردم برگزار کردند. نمایشگاه فوق‌العاده‌ای بود و بسیار بی‌سابقه چون مردم با آثار هنرمندان انقلابی مسلمان مواجه شدند که جنس و مضمون متفاوتی داشت. یادم هست که آن زمان برای بازدید از این نمایشگاه مردم صف‌های کیلومتری می‌بستند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایشان اولین جایی که حضور جدی داشتند، حوزه هنری بود. اوایل انقلاب در حوزه مشغول شدند و درخشان‌ترین اتفاقات در حوزه هنر انقلاب، توسط ایشان رقم خورد و خلق شد. همزمان ایشان در ستاد مرکزی سپاه هم حضور داشتند و آثار فاخری به شکل‌های مختلف در حوزه و ستاد مرکزی سپاه ارائه می‌کردند.

آقای صادقی کار مطبوعاتی را از چه زمانی شروع کردند؟

ایشان یک هنرمند چندوجهی بودند. علاوه‌بر نقاشی تسلط بالایی در تصویرسازی و کاریکاتور هم داشتند. شروع کار مطبوعاتی ایشان هم با روزنامه اطلاعات بود و تا آخرین روز زندگی هم با روزنامه اطلاعات همکاری داشتند. از به‌یادماندنی‌ترین کارهای ایشان کاریکاتورهای مربوط به پیروزی انقلاب، دفاع مقدس و به خصوص افشاگری از چهره واقعی منافقین و حزب توده است که به شکل‌های مختلفی ارائه می‌شد؛ نه‌تنها در روزنامه اطلاعات چاپ می‌شد، بلکه حوزه هنری مجموعه‌ای از این کاریکاتورها را به صورت یک بسته کارت پستالی در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌داد. این مجموعه‌ها شامل آثار فاخری درباره حزب توده و نیز اتفاق تلخ مربوط به بنی‌صدر و رویدادهای انقلاب بودند. درواقع ایشان همواره به تمام رخدادهای مرتبط با انقلاب و نظام، واکنش نشان می‌دادند و به شکل جدی فعال بودند.

در آخرین پروژه‌ای که در دست داشتند، گویا قصد داشتند مجموعه‌ای از همه این تجربه‌ها را برای تماشا آماده کنند. موافق هستید؟

بله، آخرین اثر ایشان یک تابلوی ۲۰ لتی ۱۰۰متری است که در موزه فلسطین مشغول اتمام آن بودند. آخرین مصاحبه ایشان درباره این تابلو در تازه‌ترین شماره مجله هنرهای تجسمی منتشر شده و در همین مصاحبه به‌وضوح پیداست که ایشان همچنان دغدغه انقلاب داشتند. در پروژه نقاشی ۱۰۰متری یک روایت تاریخی را به تصویر کشیده‌اند که از هبوط انسان و نبرد هابیل و قابیل آغاز می‌شود تا وداع با سردار سلیمانی، سردار دل‌ها. هم به من و هم به برخی دوستان دیگر گفته بودند که این آخرین پروژه، به نوعی وصیت‌نامه تصویری ایشان است. البته بخش‌هایی از این پروژه باقی مانده و تکمیل نشده است. بیماری امکان تمام کردن این مجموعه را از ایشان گرفت و روزهای آخر نگران بودند که هنوز کارشان را کامل نکرده‌اند.

آقای صادقی به عنوان هیات علمی و مدرس دانشگاه هم شناخته می‌شدند و به نظر می‌رسید برایشان تربیت هنرمندان متعهد انقلابی هم یک دغدغه جدی بوده. همین طور است؟

بله. دغدغه ایشان به نقاشی، تصویرگری و کاریکاتور خلاصه نمی‌شد. از همان ابتدای انقلاب ایشان اهتمام ویژه‌ای برای آموزش هنرمندان و رویش‌های انقلاب داشتند. هم در حوزه هنری آموزش می‌دادند و هم از موسسان دانشگاه شاهد بودند به شوق این‌که برای خانواده شهدا قدمی بردارند. در دانشگاه‌های مختلف تدریس می‌کردند اما ترجیح‌شان بیشتر دانشگاه شاهد بود و دانشگاه تهران. شاگردان زیادی تربیت کردند و همیشه بسیار پرانرژی بودند و دغدغه انقلاب داشتند. به‌خصوص خیلی علاقه‌مند بودند تابلوی ۱۰۰متری را در حسینیه رهبری به نمایش بگذارند و نظر حضرت آقا را بدانند ولی متاسفانه این تابلو به پایان نرسید.

این تابلوی ۱۰۰متری قابل نمایش هست؟

متاسفانه قبل از این‌که تابلو تکمیل شود، آقای صادقی را از دست دادیم اما در حوزه هنری برنامه‌ریزی‌هایی صورت گرفته که به جزمراسم شب وداع که جمعه شب در شب اول ماه محرم به یاد ایشان برگزار خواهیم کرد، با همکاری فرهنگستان هنر، این اثر به نمایش درآید. شاید بتوانیم امروز نمایشگاه نقاشی ایشان از فرهنگستان هنر تا محل موزه فلسطین را به نمایش بگذاریم و یاد و خاطره ایشان را زنده نگاه داریم. با رفتن این هنرمند صدمه جبران‌ناپذیری به هنر انقلاب وارد شد. ایشان بی‌بدیل بودند.

روحیه ایشان به عنوان یک هنرمند انقلابی چگونه بود؟

اهل همراهی و همدلی بودند. دوست داشتند با همه هنرمندان و اقشار مختلف جامعه به همگرایی برسند. همیشه می‌گفتند درست است که هنرمند انقلاب هستم اما دوست دارم با همه هنرمندان خوب ایران، با همه کسانی که در این مرز و بوم کار هنری می‌کنند، معاشرت داشته باشم و البته حاصل این روحیه را دیدیم که چه شاگردان خوبی تربیت کردند. بسیاری از شاگردان ایشان نام و جایگاه قابل اعتنایی دارند. می‌دانم این روزها برای هنرمندان انقلاب، بسیار سخت سپری می‌شود. کسی را که از دست دادیم اگر نگوییم بهترین اما بی‌تردید یکی از بهترین نقاشان هنر انقلاب بود که مانند نداشتند.

درگذشت ایشان قطعا برای شما بیشتر از رفتن یک دوست و همکار بوده است. چه احساسی در این باره دارید؟

هنرمندان انقلاب همه پا به سن گذاشته‌اند، متاسفانه خطر ریزش این هنرمندان باز هم هست و ما را گریزی از آن نیست. باید قدر این هنرمندان را دانست. تا هستند باید مدافع‌شان باشیم، هوای آنها را داشته‌باشیم که وقتی هنرمندی را از دست دادیم، تازه به این فکر نکنیم او هم برای انقلاب زحمت کشیده‌است. احساس می‌کنم آقای صادقی خیلی مظلومانه رفتند چون خیلی تحت هجمه قرار می‌گرفتند. آدم‌های مختلفی علیه ایشان حرف و قلم زدند و مدام هنرمندانی مانند ایشان را زیر سؤال برده‌اند که هنرمندان انقلاب چه کار کرده‌اند. قبل از درگذشت آقای صادقی، دل‌نوشته‌ای برای آقای مرتضی اسدی نوشتم و متوجه شدم یک گروهی ایجاد شده برای به چالش کشیدن هنرمندان انقلاب. نمی‌دانم این افراد چه نیتی دارند. چرا سابقه هنرمندان انقلاب را به چالش می‌کشند، در حالی که عملکرد تک تک آنها روشن و مشخص است. امیدوارم همه متوجه شوند هنرمندان انقلاب چشم و چراغ این مرز و بوم بودند و هستند و با رفتن آنها بسیار صدمه می‌بینیم.

گفت‌وگو

علیرضا ذاکری طراح، نقاش و کاریکاتوریست در گفت‌وگو با «جام جم»:

حبیب‌ا... صادقی استاد هنر مفهومی بود

آرش شفاعی
دبیر گروه فرهنگ و هنر

علی‌رضا ذاکری از چهره‌هایی است که در هنرهای تجسمی‌انقلاب، در بخش‌های مختلف کارکرده و آثاری ماندگار آفریده‌است. درباره ویژگی‌های مهم آثار مرحوم صادقی با این هنرمند، گفت‌وگو کردیم و او با مروری بر حوزه‌های مختلف کاری زنده‌یاد استاد صادقی، درباره اهمیت این هنرمند در تاریخ شکل‌گیری و انسجام هنر انقلاب صحبت کرده‌است. به اعتقاد ذاکری، او هنرمندی بود که آثارش همیشه رنگ و بوی نقاشانه داشت و به مفهوم در کارهایش توجه داشته‌است.

مرحوم صادقی در یک دوره خاص در اوایل انقلاب کاریکاتور می‌کشید، به عنوان کسی که سابقه زیادی در این حوزه دارید، به نظر شما این دوره از فعالیت هنری ایشان، بر روند کار کاریکاتوریست‌های ایرانی تأثیر داشت؟

بله ایشان در دوره‌ای کاریکاتور کار می‌کرد. البته آثار ایشان بیشتر طرح‌های مفهومی بود و به لحاظ تکنیک‌های هاشورزنی و معنایی که در اثر وجود داشت، در زیرمجموعه هنر کاریکاتور قرار می‌گرفت. البته ایشان بعد از مدتی این شکل از فعالیت هنری را رها کردند و به حوزه نقاشی برگشتند اما آثارشان در زمان خودش، تأثیرگذار بود. این آثار در زمانی که گنجینه تصویری انقلاب در حال شکل‌گیری بود، به ایجاد سلیقه هنری هنرمندان انقلاب کمک می‌کرد. خود من از اوایل دهه ۶۰ که کار حرفه‌ای نقاشی را شروع کردم، کارها و آثار ایشان را دنبال می‌کردم. آن سال‌ها به محض این‌که پوسترهای دفاع‌مقدس در حوزه هنری منتشر می‌شد؛ در سراسر کشور پخش می‌شد و من هم که در آن سال‌ها مشغول انجام کارهای هنری و نقاشی بودم، تا سال‌ها فقط اسم ایشان را شنیده بودم اما آثارشان برای من و بسیاری از هنرمندان دیگر کشور آشنا بود. بعد از جنگ هم که حوزه هنری دو کتاب مروری بر آثار منتخب نقاشی و گرافیک دفاع‌مقدس را منتشر کرد و آثار ایشان و بسیاری دیگر از هنرمندان هنرهای تجسمی در دوره دفاع‌مقدس در دسترس همه هنرمندان قرار گرفت، تأثیرگذاری کارهای ایشان و هم نسلان‌شان بر نسل‌های بعد هنرهای تجسمی، تثبیت شد. همان طور که گفتم فعالیت حرفه‌ای من ابتدا در حوزه نقاشی متمرکز بود اما بعدا فعالیتم را به سمت طراحی و کاریکاتور و طراحی گرافیک برای نشریات بردم. در آن سال‌ها به همراهی آقای محمدحسین جعفریان شاعر و مستندساز، صفحه ادبیات پایداری را به نام عشقستان در روزنامه قدس منتشر می‌کردیم و برای کتاب‌های ادبی، مجلات و روزنامه‌ها هم طرح روی جلد می‌زدم. همزمان و در آن دوره آقای صادقی با صفحه «بشنو از نی» روزنامه اطلاعات که در حوزه شعر و به مدیریت آقای علیرضا قزوه منتشر می‌شد، همکاری می‌کرد و کارهای ایشان در این صفحه و در نشریات دیگر انتشار می‌یافت. در حقیقت هر دوی ما در نشریات کشور فعال بودیم و یک بار آقای صادقی به شوخی به آقای جعفریان گفته بود: این ذاکری کیست که هر جا ما می‌رویم؛ او هم هست.

ویژگی آثار آقای صادقی، در میان هم نسلان ایشان و بنیانگذاران بخش هنرهای تجسمی حوزه هنری چه بود؟

آقای صادقی یک ویژگی برجسته داشت؛ این‌که به معنا خیلی توجه می‌کرد. برجستگی کارهای او در میان دیگران این بود که بیش از بقیه به دنبال معنای روایت‌های مذهبی و انقلابی بود. مثلا در کارهای آقای کاظم چلیپا شما غلبه نگاه نقاشانه را بیشتر می‌بینید یا در آثار آقای گودرزی حس حماسه و سلحشوری بیشتر نمود دارد.

معمولا کسانی که توجه زیادی به معنا می‌کنند، از نظر فرم دچار ضعف هستند، اما آثار آقای صادقی از نظر فرم هم قدرتمند و سرپا بود، او چطور توانسته بود این تعادل را در کارش به وجود آورد؟

معمولا کسانی که کار مفهومی می‌کنند، در تکنیک، رنگ‌آمیزی و کار با گواش و رنگ‌های اکریلیک بر صفحه و ... بیشتر به سمت تصویرسازی می‌روند و کارشان به گرافیک نزدیک می‌شود ولی آقای صادقی تا لحظه آخر حس نقاشی را در کارهایش نگه داشت. می‌دانیم که رنگ دارایی نقاش است و او به واسطه تنالیته رنگی که در کارش بود، این حس نقاشی را در آثارش زنده نگه داشته بود. او همچنین مینیاتور را وارد کارهایش کرد و وقتی این دسته از آثار او را می‌بینیم، انگار استاد فرشچیان است که دارد نقاشی مدرن کار می‌کند. آقای صادقی البته آثار با موضوع طبیعت و نیز آثار آبستره هم دارد ولی از یک مرحله کارش با تابلوهای بزرگ گره خورد. در این تابلوها مفهوم انسان متعالی و رو به بالا در قالب انسان‌هایی ایستاده و تمام قد با مفهوم دین و عبادت گره می‌خورد و در این گونه آثار او، مذهب تجلی بالایی دارد.

تأثیرگذاری حبیب‌ا... صادقی بر هنر انقلاب و هنرهای تجسمی ایران در کل، به نظر شما تا چه حد است؟

هر انقلابی با خود یک سلیقه هنری به همراه می‌آورد و در همه جهان چه در بلوک شرق و چه در آمریکای لاتین وقتی ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم بعد از انقلاب‌هایی که روی داده‌است، هنرمندان آن سرزمین که همراه با آن انقلاب بوده‌اند، یک مکتب هنری جدید به‌وجود آورده‌اند. در ایران هم هنرمندان، با وقوع انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، فرم خاص خود را عرضه کردند. این آثار نقاشی با انسان‌هایی که دست‌های رو به بالا دارند و ایستاده‌اند و پرچم قیام برافراشته، در هیچ کجای دنیا دیده نمی‌شود اما در آثار هنرمندان انقلاب اسلامی می‌شود این را دید. معمولا وقتی هنرمندان شاخص یک کشور، آثاری را خلق می‌کنند و این آثار در تیراژ بالا منتشر و دیده می‌شود، هنرمندان دیگر چه بخواهند و چه نخواهند از آنها تأثیر می‌پذیرند. همان طور که گفتم نقاشان انقلاب تحت تأثیر هنرمندان مطرحی همچون: آقایان خسروجردی، وزیریان، چلیپا، گودرزی و حبیب ا... صادقی بودند. ما هنرمندانی که مکتب خاص خود را داشته‌باشند و بر هنرمندان بعد از خود تأثیر گذاشته‌باشند، به اندازه انگشتان دو دست نداریم. چهره‌هایی مانند آقای صادقی و آقای چلیپا از این دسته هنرمندان هستند. پیشتر نقاشانی که در حوزه هنر مدرن کار کنند، داشته‌ایم اما کسی به پختگی و قدرت مرحوم حبیب‌ا... صادقی در هنرهای مفهومی کمتر داریم. خیلی‌ها هستند که فکر می‌کنند نقاشی مدرن ایرانی کار می‌کنند اما در فرم لب و بینی آثارشان که دقت می‌کنیم می‌بینیم تحت تأثیر پیکاسو هستند. این به معنای آن است که هنرمندان، از همدیگر تاثیر می‌پذیرند.

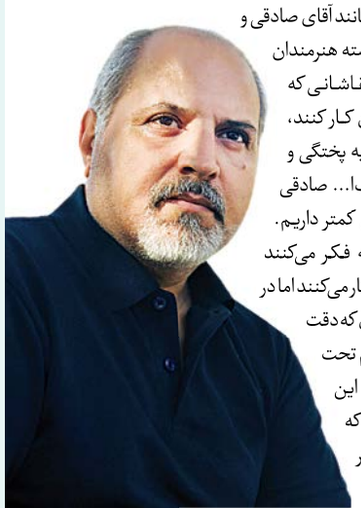

خاطره

خاطره‌ای از فروتنی استاد

یکی از تجربه‌های آخر کاری من با مرحوم صادقی بابت اتفاقی بود که سه سال قبل افتاد. درآخرین روزهای سال ۱۳۹۸ یکی از طرح‌های من بدون اطلاعم به عنوان تمبر ملی کرونا انتخاب شد و آقای روحانی این تمبر را به عنوان اولین تمبر کرونای جهان رونمایی کرد و من در ایام عید سال ۹۹ آن را در اینترنت دیدم. ۹ ماه گذشت و خبرگزاری تسنیم در این خصوص که این طرح بدون اجازه من منتشر شده و حقوق مادی و معنوی من را نقض کرده‌اند با من گفت‌وگو کرد. خبرنگار بدون اطلاع من تیتر تندی زد و حاشیه ساز شد. مدیران وزارت ارتباطات و رئیس شورای تمبر سریع دست به کار شدند و آقای صادقی که خودشان یکی از کارشناسان شورای تمبر ملی بودند، با آن خبرگزاری صحبت کردند. ایشان صادقی، پیشکسوت هنر انقلابی هستند و حق استادی بر گردن همه ما دارند اما در آن گفت‌وگو با فروتنی فرموده بودند از آقای ذاکری عذرخواهی و مسأله را جبران خواهیم کرد. این رفتار ایشان نشان‌دهنده این بود که ایشان به عنوان یک هنرمند در سطح ملی، روی باطن خود هم خیلی کار کرده و نفسش را هم مهار کرده‌بود. این اتفاق برکاتی هم در پی داشت و توفیق طراحی بیش از ۱۰ تمبر ملی نصیبم شد.